



The University Of Tehran Press

Journal of Social Problems of Iran

From the Ideal of Migration to a Crisis of Meaning: A Qualitative Study of Identity, Existential, and Social Challenges Among Iranian Migrant Celebrities

Maryam Solgi ¹ 

1. Assistant Professor, Department of Philosophy and Islamic Wisdom, Faculty of Theology, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: m.solgi@alzahra.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received

Received in revised form

Accepted

Published online

Keywords:

Iranian migrant celebrities, Meaning crisis, Migrant identity, Existential and social challenges, Thematic analysis.

ABSTRACT

Celebrity migration, as an emerging cultural and media phenomenon, is not merely geographical relocation but a complex process of redefining identity, meaning, and social status. This study explored the identity, meaning-related, and social challenges of Iranian migrant celebrities. A qualitative approach and thematic analysis were employed. Data comprised narratives, interviews, live streams, media programs, posts, and other content published by Iranian migrant celebrities between 2020 and 2025. Content related to 11 Iranian migrant celebrities was purposively selected and analyzed. Following transcription and repeated review, data were analyzed using Braun and Clarke's (2006) thematic analysis at three levels: basic, organizing, and global themes. Findings indicated that migration was accompanied by identity rupture and suspended belonging. Participants experienced distancing from their familiar cultural context, instability in their sense of self, and difficulties redefining their social identities. The erosion of meaning systems, decline in social and professional capital, psychological distress, and pressures from the host society were also major challenges. Celebrity status did not necessarily alleviate these pressures; rather, because professional identity was closely tied to visibility and social recognition, it could make migration more complex and exhausting. Nevertheless, some participants experienced migration as an opportunity to reconsider their cultural identity, national belonging, and the meaning of homeland. Overall, migration among Iranian celebrities is a multilayered process involving the continuous reconstruction of identity, meaning, and social status across diverse cultural and media contexts.

Cite this article: Author, A. A., Author, B. B., & Author, C. C. (year). Article title. *Journal Title*, 56 (1), 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>

Publisher: University of Tehran Press.



انتشارات دانشگاه تهران

بررسی مسائل اجتماعی ایران

از آرمان مهاجرت تا بحران معنا: مطالعه‌ای کیفی پیرامون چالش‌های هویتی، معنایی و اجتماعی در سلبریتی‌های ایرانی مهاجر

مریم سلگی^۱۱. استادیار، گروه فلسفه و حکمت اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. رایانامه: m.solgi@alzahra.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مهاجرت سلبریتی‌ها، به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور فرهنگی - رسانه‌ای، صرفاً جابه‌جایی جغرافیایی نیست، بلکه فرایندی پیچیده از بازتعریف هویت، معنا و جایگاه اجتماعی است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی چالش‌های هویتی، معنایی و اجتماعی سلبریتی‌های ایرانی مهاجر انجام شد. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام گرفت. داده‌ها شامل روایت‌ها، مصاحبه‌ها، لایوها، برنامه‌های رسانه‌ای، پست‌ها و سایر محتواهای منتشرشده از سوی سلبریتی‌های ایرانی مهاجر در بازه زمانی ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴ بود که به‌صورت هدفمند انتخاب و محتوای مربوط به ۱۱ سلبریتی تحلیل شد. داده‌ها پس از پیاده‌سازی و بازخوانی مکرر، بر اساس روش تحلیل مضمون براون و کلارک (۲۰۰۶) در سه سطح مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که تجربه مهاجرت با گسست هویتی و تعلیق تعلق همراه است و افراد هم‌زمان با فاصله‌گیری از بستر فرهنگی آشنا، با تزلزل در ادراک خویش و دشواری بازتعریف هویت اجتماعی مواجه می‌شوند. همچنین، فرسایش نظام معنایی، افول سرمایه اجتماعی و حرفه‌ای، بحران‌های روانی و فشارهای ساختاری جامعه مقصد از چالش‌های اصلی تجربه مهاجرت بود. سلبریتی‌بودن نیز به دلیل وابستگی هویت حرفه‌ای به دیده‌شدن و بازشناسی اجتماعی، لزوماً از این فشارها نمی‌کاهد و می‌تواند تجربه مهاجرت را پیچیده‌تر و فرساینده‌تر کند. بالاین‌حال، برخی مشارکت‌کنندگان مهاجرت را فرصتی برای بازاندیشی در هویت فرهنگی، تعلق ملی و معنای وطن تجربه کرده بودند. در مجموع، مهاجرت سلبریتی‌های ایرانی فرایندی چندلایه است که به بازسازی مداوم هویت، معنا و جایگاه اجتماعی در میدان‌های متکثر فرهنگی و رسانه‌ای می‌انجامد.
تاریخ دریافت: تاریخ بازنگری: تاریخ پذیرش: تاریخ انتشار:	
کلیدواژه‌ها: سلبریتی‌های مهاجر ایرانی، بحران معنا، هویت مهاجر، چالش‌های وجودی و اجتماعی، تحلیل مضمون.	

استناد: نام خانوادگی، نام؛ نام خانوادگی، نام؛ و نام خانوادگی، نام (سال). عنوان مقاله. عنوان مجله، ۲ (۴)، ۲۰-۱.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

ناشر: موسسه انتشارات دانشگاه تهران.

۱. مقدمه

مهاجرت، به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن و رسانه‌های دیجیتال، دیگر صرفاً یک جابه‌جایی جغرافیایی نیست، بلکه فرایندی پیچیده از بازتعریف هویت، معنا و جایگاه اجتماعی است (Cormoş, 2022, p. 10296; Verkuyten et al., 2019, p. 394). در این میان، سلبریتی‌ها^۱ به‌عنوان کنشگران فرهنگی-رسانه‌ای، موقعیتی دوگانه و گاه متناقضی را تجربه می‌کنند؛ چرا که از یک‌سو حامل سرمایه نمادین، شهرت و مخاطبان گسترده‌اند و از سوی دیگر، در بستر مهاجرت با گسست‌های عمیق هویتی، بازتولید تصویر عمومی و بازسازی معنا در زندگی فردی و حرفه‌ای مواجه می‌شوند (Couldry & Markham, 2007, p. 405; Oliva, 2020, p. 21). سلبریتی‌ها به افرادی اطلاق می‌شوند که به دلیل شهرت، موفقیت حرفه‌ای یا جایگاه علمی، فرهنگی، هنری و اجتماعی خود از میزان بالایی از شناخت عمومی و نفوذ اجتماعی برخوردارند. این مفهوم علاوه بر چهره‌های هنری، ورزشی و رسانه‌ای، نخبگان علمی و فرهنگی اثرگذار را نیز دربر می‌گیرد؛ افرادی که به واسطه سرمایه نمادین و مرجعیت اجتماعی خود می‌توانند بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای جامعه تأثیر بگذارند. تأثیرگذاری این افراد به‌ویژه در میان نوجوانان و جوانان بیشتر است، زیرا آنان در فرایند هویت‌یابی، الگوپذیری و شکل‌دهی به آرمان‌ها و تصمیم‌های زندگی خود قرار دارند. به همین دلیل، مهاجرت در مورد آنان نه‌فقط یک تصمیم فردی، بلکه رخدادی چندلایه است که هم در سطح روان‌شناختی و هم در سطح اجتماعی و فرهنگی قابل تحلیل است. در سال‌های اخیر، موج مهاجرت برخی از سلبریتی‌های ایرانی—اعم از هنرمندان، بازیگران، خوانندگان و چهره‌های رسانه‌ای—در فضای عمومی و شبکه‌های اجتماعی بازتاب گسترده‌ای داشته است. این مهاجرت‌ها اغلب با آرمان‌هایی همچون آزادی بیان، پیشرفت شغلی و حرفه‌ای، رفاه مطلق، دسترسی به بازارهای جهانی، یا رهایی از محدودیت‌های ساختاری همراه بوده است. با این حال، تجربه زیسته بسیاری از این افراد نشان می‌دهد که تحقق این آرمان‌ها همواره خطی و ساده نیست و در بسیاری موارد، با چالش‌های پیش‌بینی‌نشده‌ای در سطح هویت فردی، انسجام معنایی زندگی و نیز پذیرش اجتماعی در بستر جدید همراه می‌شود. آنچه در روایت‌های عمومی از مهاجرت سلبریتی‌های ایرانی غالباً نادیده گرفته می‌شود، نه موفقیت‌های حرفه‌ای آن‌ها در غرب و نه حسرت‌های نوستالژیک‌شان نسبت به ایران، بلکه شکاف تدریجی و خاموشی است که میان «آرمان پیشام‌هایجرتی» و «زیست روزمره پسام‌هایجرتی» پدید می‌آید. این شکاف، خود را در قالب مجموعه‌ای از تجربه‌های پراکنده اما پیوسته نشان می‌دهد. مهاجرت، برای این قشر، نه یک جابه‌جایی ساده، که ورود به میدانی از پارادوکس‌های تعریف‌نشده است.

از منظر نظری، هویت در شرایط مهاجرتی امری سیال و بازساختی است که در تعامل مستمر با زمینه‌های فرهنگی، گفتمان‌های رسانه‌ای و روابط قدرت شکل می‌گیرد (Dixon S., 2019, p. 3; Zenelaga & Goga, 2021, p. 140). سلبریتی مهاجر، برخلاف مهاجران عادی، نه‌تنها باید با مسئله «تعلق» در جامعه جدید مواجه شود، بلکه هم‌زمان در معرض بازتعریف مداوم در چشم مخاطبان پیشین خود در کشور مبدأ نیز قرار دارد (Maehler & Daikeler, 2024, p. 464). این وضعیت دوگانه، می‌تواند به نوعی گسست هویتی و تعلیق میان «بودن در اینجا» و «دیده‌شدن در آنجا» منجر شود. در نتیجه، فرد در مرز میان دو جهان فرهنگی، با پرسش‌های بنیادین درباره «من کیستم؟»، «برای چه دیده می‌شوم؟» و «معنای ادامه این مسیر چیست؟» مواجه می‌شود. از سوی دیگر، بحران معنا یکی از پیامدهای مهم این وضعیت است. هنگامی که چارچوب‌های پیشین معنابخش—اعم از شهرت در بستر ملی، نقش‌های اجتماعی تثبیت‌شده، و بازخوردهای فرهنگی آشنا—دستخوش تغییر می‌شوند، فرد ناگزیر به بازسازی نظام معنایی زندگی خود است. این فرایند، در بستر مهاجرت سلبریتی‌ها می‌تواند با احساس گسست، بی‌ریشگی، یا حتی از دست رفتن کارکرد پیشین هویت حرفه‌ای همراه شود. در چنین شرایطی، موفقیت ظاهری در عرصه جهانی نیز لزوماً به تجربه رضایت درونی یا انسجام معنایی منجر نمی‌شود. در این میان، سه مفهوم «سلبریتی»، «احساس تعلق» و «بحران معنا» در این پژوهش نه به‌عنوان سازه‌هایی مستقل، بلکه به‌مثابه اجزای یک فرایند به‌هم‌پیوسته مورد توجه قرار گرفته‌اند. سلبریتی، فراتر از فردی برخوردار از شهرت، کنشگری اجتماعی است که هویت، سرمایه نمادین و جایگاه اجتماعی او در تعامل مستمر با مخاطبان، رسانه‌ها و زمینه فرهنگی شکل می‌گیرد و بازتولید می‌شود. از این‌رو، مهاجرت برای سلبریتی صرفاً

¹ celebrities

جابه‌جایی جغرافیایی نیست، بلکه گسستی در شبکه‌های اجتماعی، پیوندهای فرهنگی و منابع هویت‌بخش او ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی، احساس تعلق به‌عنوان تجربه ذهنی پیوند با مکان، فرهنگ، جامعه و نظام معنایی، ممکن است دچار تضعیف یا بازتعریف شود. این گسست، در صورت ناتوانی فرد در بازسازی پیوندهای هویتی و اجتماعی، می‌تواند به بحران معنا بینجامد؛ بحرانی که در آن نظام پیشین ارزش‌ها، اهداف و احساس انسجام زندگی کارکرد خود را از دست می‌دهد و فرد ناگزیر می‌شود در بستر جدید، معنا، هویت و احساس تعلق خود را از نو بازسازی کند. بر این اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر تجربه زیسته سلبریتی‌های ایرانی مهاجر، تلاش می‌کند چگونگی شکل‌گیری و برهم‌کنش این سه سازه را در فرایند مهاجرت تبیین کند.

با وجود اهمیت این موضوع، ادبیات پژوهشی موجود عمدتاً بر مهاجرت نخبگان (Hosseini et al., 1399, p. 56; Hosseini et al., 1399, p. 56; Bozorgzad et al., 1398, p. 150; Esmaeili & Mahmoudian, 1403, p. 390) عادی (Sadeghi & Rezaei, 1400, p. 44; Elmi & Pasandi Yesaghi, 1403, p. 381) تمرکز داشته و تجربه زیسته سلبریتی‌های مهاجر، به‌ویژه در بستر ایرانی، کمتر مورد توجه نظام‌مند قرار گرفته است. در حالی که سلبریتی‌ها در جهان معاصر صرفاً چهره‌هایی مشهور نیستند، بلکه به‌مثابه کنشگران فرهنگی و رسانه‌ای، توانایی قابل‌توجهی در جهت‌دهی به افکار عمومی، بازتعریف هنجارهای اجتماعی و شکل‌دهی به حساسیت‌های جمعی دارند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حمایت علنی سلبریتی‌ها از موضوعات مختلف می‌تواند مسائل را از سطح بازنمایی رسانه‌ای به سطح دغدغه عمومی منتقل کند و ادراک اجتماعی مخاطبان را تحت تأثیر قرار دهد (Nownes, 2019, p. 124; Nayar, 2009, p. 117). همچنین، میزان محبوبیت و نوع رابطه عاطفی و فرااجتماعی مخاطبان با سلبریتی‌ها، نقش مهمی در قدرت اقناع و اثرگذاری آنان بر نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی ایفا می‌کند (Tajbakhsh & Goodarzi, 1404, p. 202; Cohen et al., 2023, p. 1882; Park, 2020, p. 7948). از این منظر، تجربه مهاجرت سلبریتی‌ها نه‌تنها یک رخداد فردی، بلکه پدیده‌ای اجتماعی و معنا‌ساز است که می‌تواند بر ادراک عمومی از مهاجرت، هویت و سبک زندگی نیز اثرگذار باشد (Pakzad et al., 1402, p. 96; Soleimani Sasaki & Shahbazi, 1402, p. 82; Abbasi & Jafari, 1399, p. 42 & Asadzadeh Shahr, 1401, p. 101). فقدان مطالعات کیفی عمیق در این حوزه، موجب شده است که درک ما از لایه‌های پنهان تجربه مهاجرت این افراد محدود و گاه تقلیل‌گرایانه باقی بماند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف واکاوی تجربه زیسته سلبریتی‌های ایرانی مهاجر، به دنبال پاسخ به این پرسش اساسی است که: چگونه آرمان مهاجرت در این گروه به تجربه‌های چالش‌برانگیز هویتی، معنایی و اجتماعی تبدیل می‌شود و چه فرایندهایی در شکل‌گیری یا تضعیف انسجام هویت و معنا در زندگی آنان نقش دارد؟ این مطالعه می‌کوشد با رویکردی کیفی، به درک عمیق‌تری از این پدیده پیچیده دست یابد و نشان دهد که مهاجرت برای سلبریتی‌ها نه پایان یک مسیر، بلکه آغاز نوعی بازتعریف مداوم خود در میدان‌های متکثر فرهنگی و اجتماعی است.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد که مهاجرت در سال‌های اخیر از سطح یک انتخاب فردی فراتر رفته و به یک پدیده اجتماعی، فرهنگی و حتی ذهنی در میان گروه‌های مختلف جامعه تبدیل شده است. صادقی و رضایی (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «سودای مهاجرت: تمایل ایرانی‌ها به مهاجرت و عوامل تعیین‌کننده آن» نشان دادند که حدود یک‌چهارم ایرانیان تمایل به مهاجرت دارند و این تمایل بیش از همه در میان جوانان، افراد تحصیل‌کرده، طبقات اجتماعی متوسط و بالا و ساکنان شهرهای بزرگ مشاهده می‌شود. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مهاجرت پیش از آنکه یک کنش واقعی باشد، در سطح ذهنی و آرمانی در میان بخش قابل توجهی از جامعه شکل گرفته و به‌ویژه در میان نسل جوان به صورت یک افق مطلوب برای دستیابی به زندگی بهتر بازنمایی می‌شود. این یافته اهمیت نقش «تصورات آرمانی از مهاجرت» را در شکل‌گیری میل به ترک کشور برجسته می‌سازد. در همین راستا، اسمعیلی و محمودیان (۱۴۰۳) با بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان ایرانی دریافتند که جهانی‌شدن مهم‌ترین عامل اثرگذار بر تصمیم به مهاجرت است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که افزایش ارتباطات فراملی، دسترسی گسترده به اطلاعات و آشنایی با فرصت‌های موجود در کشورهای دیگر، افق‌های جدیدی را پیش روی افراد قرار داده و زمینه مقایسه مستمر شرایط زیست در داخل و خارج از کشور را فراهم می‌کند. از این منظر، مهاجرت نه صرفاً نتیجه

فشارهای داخلی، بلکه محصول شکل‌گیری نوعی آگاهی جهانی و بازتعریف انتظارات فرد از زندگی و آینده است. یافته‌های ملک‌پور افشار و همکاران (۱۴۰۱) نیز مؤید همین مسئله است. آنان در مطالعه‌ای کیفی پیرامون ریشه‌ها و راهکارهای مهاجرت نخبگان نشان دادند که تصمیم به مهاجرت حاصل برهم‌کنش عوامل دافعه در جامعه مبدأ و عوامل جاذبه در جامعه مقصد است. در این پژوهش عواملی همچون ضعف نظام شایسته‌سالاری، کاهش احساس کرامت حرفه‌ای، محدودیت فرصت‌های رشد و جذابیت‌های علمی و اجتماعی کشورهای مقصد به عنوان مهم‌ترین زمینه‌های مهاجرت شناسایی شدند. نکته قابل توجه در این مطالعه آن است که مهاجرت صرفاً به دلایل اقتصادی تبیین نمی‌شود، بلکه متغیرهایی نظیر منزلت اجتماعی، احساس ارزشمندی و امکان تحقق خویشتن نیز در این فرایند نقش تعیین‌کننده دارند. مطالعه محمودیان و چنانی (۱۴۰۲) با تمرکز بر تجربه زیسته زنان ایرانی مهاجر، ابعاد عمیق‌تر و پیچیده‌تری از پدیده مهاجرت را آشکار ساخت. نتایج این پژوهش نشان داد که مهاجرت همزمان با فرصت‌هایی نظیر خودشکوفایی، استقلال و دستیابی به کیفیت زندگی مطلوب‌تر، با احساس تنهایی، رنج، غربت و مواجهه با برچسب مهاجر بودن همراه است. این یافته‌ها تصویری دوگانه از مهاجرت ارائه می‌کنند؛ به گونه‌ای که مهاجران در عین دستیابی به برخی آرزوهای فردی، ناگزیر با چالش‌های روانی و اجتماعی ناشی از گسست از محیط آشنا و بازسازی هویت خویش در جامعه جدید روبه‌رو می‌شوند.

در میان پژوهش‌های داخلی، مطالعه مداحی، صفری‌شالی و کبیری (۱۴۰۴) بیش از سایر تحقیقات به ابعاد هویتی و معنایی مهاجرت نزدیک شده است. آنان در پژوهش خود با عنوان «دوگانگی عاطفی در قصد مهاجرت جوانان تهرانی» نشان دادند که میل به مهاجرت با مجموعه‌ای از احساسات متناقض همچون امید، ترس، اضطراب، تردید و احساس تعلیق هویتی همراه است. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که بسیاری از جوانان در وضعیت «هویت معلق» قرار دارند و میان ماندن و رفتن، تعلق و گسست، و واقعیت و خیال در نوسان هستند. همچنین مقولاتی نظیر «روان‌پریشی جغرافیایی»، «رواسازی‌های فانتزی از زندگی مهاجران» و «نمایش موفقیت در شبکه‌های اجتماعی» نشان می‌دهد که بخشی از انگیزه‌های مهاجرت بر پایه تصورات آرمانی و بازنمایی‌های رسانه‌ای شکل می‌گیرد؛ تصاویری که ممکن است پس از تجربه واقعی مهاجرت با واقعیت‌های زندگی در مقصد تعارض پیدا کنند. پژوهش صادقی و سیدحسینی (۱۳۹۸) نیز نشان داد که حدود نیمی از جوانان تهرانی تمایل بالایی به مهاجرت دارند و مهم‌ترین انگیزه‌های آنان دستیابی به فرصت‌های فرهنگی، آموزشی و اقتصادی بهتر است. با این حال نتایج تحلیل‌های چندمتغیره نشان داد که عوامل ساختاری همچون کیفیت ادراک‌شده جامعه مبدأ، شبکه‌های اجتماعی و شرایط اشتغال نقش مهمی در شکل‌گیری این تمایل دارند. این یافته‌ها تأکید می‌کنند که تصمیم به مهاجرت تنها حاصل ویژگی‌های فردی نیست، بلکه در بستر ادراک فرد از فرصت‌ها و محدودیت‌های محیط اجتماعی شکل می‌گیرد.

در مطالعات خارجی نیز ابعاد هویتی، تعلق، معنا و سازگاری اجتماعی مهاجران مورد توجه قرار گرفته است. لی و همکاران (۲۰۲۶) در مطالعه‌ای پیرامون دانشجویان بین‌المللی فارغ‌التحصیل از کره جنوبی نشان دادند که تجربه مهاجرت و جابه‌جایی فراملی فراتر از یک دوره زمانی مشخص است و افراد حتی پس از بازگشت یا استقرار در کشور دیگری، همچنان درگیر بازتعریف احساس تعلق و هویت خود هستند. یافته‌های این پژوهش از شکل‌گیری الگوهایی مانند تعلق عاطفی به کشور میزبان، احساس دوسوگرایی و هویت‌های فراملی حکایت دارد که نشان‌دهنده پیچیدگی تجربه مهاجرت در دوران معاصر است. وركوین و همکاران (۲۰۱۹) نیز با طرح مفهوم «هویت چندگانه» نشان دادند که مهاجران ناگزیرند میان هویت قومی، ملی، مذهبی و اجتماعی خود تعادل برقرار کنند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که هویت مهاجران نه امری ثابت، بلکه ساختاری سیال و چندلایه است که در تعامل با انتظارات جامعه میزبان و جامعه مبدأ شکل می‌گیرد. این وضعیت گاه موجب تعارض، سردرگمی هویتی و احساس عدم پذیرش اجتماعی می‌شود. همسو با این دیدگاه، گریمالا-کازولفسکا (۲۰۱۶) در نظریه «لنگرهای اجتماعی» استدلال می‌کند که مهاجران برای دستیابی به احساس امنیت روانی و ثبات هویتی نیازمند ایجاد نقاط اتکای جدید در محیط مقصد هستند. بر اساس این رویکرد، فقدان چنین لنگرهایی می‌تواند احساس بی‌ریشگی، ناامنی وجودی و دشواری در سازگاری اجتماعی را تشدید کند. از این منظر، بحران‌های هویتی مهاجران تنها ناشی از ترک سرزمین مادری نیست، بلکه به دشواری در بازسازی منابع تعلق و معنا در محیط جدید نیز مربوط می‌شود. همچنین ناندینی و سودا (۲۰۲۵) در مطالعه خود درباره تجربه مهاجران در رمان «آمریکانا» نشان

دادند که مهاجران در فرایند مواجهه با فرهنگ جدید، با احساس بیگانگی، تردید نسبت به خویشتن، تعارض هویتی و تلاش برای حفظ ریشه‌های فرهنگی روبه‌رو می‌شوند. این پژوهش بر پیامدهای روان‌شناختی جابه‌جایی فرهنگی تأکید دارد و نشان می‌دهد که مهاجرت می‌تواند همزمان زمینه‌ساز رشد فردی و بحران‌های عمیق هویتی باشد. در مجموع، مرور مطالعات پیشین نشان می‌دهد که پژوهش‌های انجام‌شده عمدتاً بر عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت، مهاجرت نخبگان، انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی مهاجرت، یا تجربه‌های عمومی مهاجران تمرکز داشته‌اند. اگرچه برخی مطالعات به ابعاد هویتی، تعلق اجتماعی و احساسات متناقض مرتبط با مهاجرت اشاره کرده‌اند، اما هنوز تجربه زیسته افرادی که پیش از مهاجرت از سرمایه نمادین، شهرت و جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به‌ویژه درباره سلبریتی‌های ایرانی مهاجر، چگونگی گذار از «آرمان مهاجرت» به تجربه واقعی زندگی در جامعه مقصد، بازسازی یا فروپاشی هویت اجتماعی، دگرگونی منابع معنا و مواجهه با چالش‌های ناشی از کاهش سرمایه نمادین و تغییر جایگاه اجتماعی همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. از این رو، پژوهش حاضر با رویکردی کیفی درصدد است ابعاد هویتی، معنایی و اجتماعی تجربه مهاجرت سلبریتی‌های ایرانی را واکاوی کند و خلأ موجود در ادبیات پژوهشی این حوزه را پوشش دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیل مضمون بازتابی^۱ انجام شد. این رویکرد به دلیل ماهیت اکتشافی پژوهش و تمرکز آن بر فهم عمیق تجربه‌های هویتی، معنایی و اجتماعی سلبریتی‌های ایرانی مهاجر انتخاب شد. تحلیل مضمون بازتابی، برخلاف رویکردهای مبتنی بر توافق میان کدگذاران، بر نقش فعال پژوهشگر در فرایند معناپردازی و تفسیر داده‌ها تأکید دارد و این امکان را فراهم می‌آورد که مضامین نه به‌عنوان واقعیت‌های از پیش موجود، بلکه به‌عنوان الگوهای معنایی برآمده از تعامل میان داده‌ها، زمینه اجتماعی و فرایند تفسیری پژوهشگر شناسایی شوند. از این رو، این روش برای مطالعه پدیده‌های پیچیده‌ای همچون مهاجرت، بحران معنا، بازسازی هویت و احساس تعلق که عمیقاً وابسته به زمینه‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی هستند، مناسب تشخیص داده شد. همچنین، تحلیل مضمون بازتابی با تأکید بر تفسیر معنا در بسترهای اجتماعی و فرهنگی، امکان شناسایی الگوهای پنهان معنایی و بازنمایی‌های هویتی را در داده‌های متنی و رسانه‌ای فراهم می‌سازد و به پژوهشگر اجازه می‌دهد تا فراتر از سطح توصیف، به لایه‌های تفسیری تجربه مهاجرت، بحران معنا و بازسازی هویت دست یابد. در این پژوهش، داده‌ها از طریق تحلیل اسناد و روایت‌های رسانه‌ای گردآوری شدند. بر این اساس، به‌جای استفاده از مصاحبه مستقیم، از داده‌های طبیعی بهره گرفته شد؛ داده‌هایی که بدون مداخله پژوهشگر و در بستر واقعی زیست رسانه‌ای سلبریتی‌ها تولید شده‌اند. استفاده از این نوع داده‌ها این امکان را فراهم می‌کند که تجربه‌های زیسته، روایت‌های شخصی و بازنمایی‌های هویتی افراد در شرایطی بررسی شوند که تحت تأثیر حضور پژوهشگر یا فرایند مصاحبه قرار نگرفته‌اند. از این رو، داده‌های طبیعی می‌توانند تصویری نزدیک‌تر به شیوه‌ای که افراد تجربه‌های خود را در زندگی روزمره و فضای عمومی روایت می‌کنند، ارائه دهند و در سال‌های اخیر در مطالعات کیفی حوزه رسانه، فرهنگ، هویت و ارتباطات از جایگاه روش‌شناختی قابل‌توجهی برخوردار بوده‌اند.

میدان پژوهش شامل سلبریتی‌های ایرانی مهاجری بود که تجربه مهاجرت خود، چالش‌های زندگی پس از مهاجرت، احساسات، تعارضات هویتی، مسائل اجتماعی یا تغییرات معنایی زندگی خویش را به‌صورت عمومی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مطرح کرده بودند. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و مبتنی بر ملاک انجام شد. ملاک‌های ورود به مطالعه شامل: (۱) شهرت فرد در حوزه‌های هنری، رسانه‌ای یا فرهنگی، (۲) تجربه مهاجرت و اقامت خارج از کشور، (۳) وجود محتوای رسانه‌ای قابل دسترس و غنی مرتبط با تجربه مهاجرت، و (۴) بیان آشکار تجربه‌های شخصی، هویتی یا اجتماعی در رسانه‌ها بود. داده‌های پژوهش از منابع مختلفی همچون مصاحبه‌های منتشرشده، برنامه‌های تلویزیونی، گفت‌وگوهای اینترنتی، لایوهای اینستاگرامی، پادکست‌ها، پست‌ها و استوری‌های شبکه‌های اجتماعی و نیز اظهارنظرهای عمومی سلبریتی‌ها گردآوری شد. برای هر مورد،

^۱ Reflexive Thematic Analysis

تمامی محتوای در دسترس مرتبط با تجربه مهاجرت بررسی شد و تنها بخش‌هایی وارد تحلیل شدند که به‌طور مستقیم به تجربه زیسته مهاجرت، بحران معنا، احساس تعلق، بازسازی هویت یا پیامدهای روانی و اجتماعی مهاجرت مرتبط بودند. بازه زمانی گردآوری داده‌ها از سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۴ بود. در مجموع، محتوای مربوط به ۱۱ نفر از سلبریتی‌های ایرانی مهاجر مورد بررسی قرار گرفت. گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت هم‌زمان ادامه یافت و فرایند نمونه‌گیری تا دستیابی به اشباع مفهومی ادامه پیدا کرد؛ به‌گونه‌ای که بررسی داده‌های جدید دیگر منجر به شکل‌گیری کدها، مضامین یا الگوهای معنایی تازه نمی‌شد و داده‌های جدید صرفاً مؤید مضامین موجود بودند.

فرایند تحلیل داده‌ها بر اساس الگوی شش‌مرحله‌ای براون و کلارک (۲۰۱۹، ۲۰۲۱، ۲۰۲۲) انجام شد. پس از گردآوری داده‌ها، تمامی متون، گفتارها و محتوای رسانه‌ای چندین بار به‌صورت دقیق مطالعه و بازخوانی شد تا آشنایی عمیق با کلیت داده‌ها حاصل شود. سپس واحدهای معنایی اولیه استخراج و کدگذاری اولیه انجام گرفت. در ادامه، کدهای همسو بر اساس شباهت‌های مفهومی در قالب مضامین اولیه سازمان‌دهی شدند و این مضامین در فرایندی بازگشتی و تفسیری به‌طور مستمر مورد بازنگری، ادغام، تفکیک و بازتعریف قرار گرفتند تا در نهایت مضامین اصلی پژوهش شکل گیرند. با توجه به ماهیت بازتابی تحلیل مضمون، پژوهشگر نقش فعال خود را در فرایند تولید و تفسیر معنا به رسمیت شناخت. به همین منظور، یادداشت‌های تأملی در طول مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها ثبت شد و پژوهشگر به‌طور مستمر پیش‌فرض‌ها، حساسیت‌های نظری و برداشت‌های اولیه خود را بازاندیشی کرد تا تفسیرها تا حد امکان بر تعامل میان داده‌ها و فرایند تحلیلی استوار باشند. این فرایند بازاندیشانه موجب شد مضامین نهایی نه صرفاً بر پایه فراوانی داده‌ها، بلکه بر اساس ظرفیت تبیینی آن‌ها در فهم تجربه مهاجرت و بحران معنا شکل گیرند.

به‌منظور افزایش اعتبار و اعتمادپذیری یافته‌ها، از معیارهای پیشنهادی لینکلن و گوبا شامل باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری استفاده شد. برای افزایش باورپذیری، داده‌ها از منابع متنوع رسانه‌ای گردآوری و به‌صورت مکرر بازبینی شدند و تلاش شد شواهد انتخاب‌شده، بازتاب‌دهنده طیف متنوعی از تجربه‌های مشارکت‌کنندگان باشند. به‌منظور افزایش انتقال‌پذیری، ویژگی‌های نمونه، معیارهای انتخاب داده‌ها و فرایند تحلیل با جزئیات کافی گزارش شد تا امکان قضاوت درباره قابلیت انتقال یافته‌ها به زمینه‌های مشابه فراهم شود. در راستای اطمینان‌پذیری، تمامی مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها، استخراج کدها، شکل‌گیری مضامین و تصمیم‌های تحلیلی به‌صورت دقیق مستندسازی شد. همچنین، در چارچوب رویکرد تحلیل مضمون بازتابی، پژوهشگر با اتخاذ رویکردی تأملی، به‌طور مستمر پیش‌فرض‌ها، موقعیت پژوهشگر و تأثیر احتمالی آن‌ها بر فرایند تفسیر داده‌ها را مورد بازاندیشی قرار داد تا شفافیت و انسجام تفسیری پژوهش افزایش یابد. از آنجا که داده‌های پژوهش از محتوای عمومی و منتشرشده در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی استخراج شده‌اند، تمامی اطلاعات مورد استفاده در چارچوب داده‌های در دسترس عموم قرار داشتند. با این حال، پژوهشگر در تمامی مراحل تحلیل و گزارش یافته‌ها، اصول اخلاق پژوهش شامل امانت‌داری در بازنمایی داده‌ها، پرهیز از تحریف روایت‌ها، حفظ بافت اصلی اظهارات و احترام به حریم معنایی افراد را رعایت کرد. در مجموع، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تحلیل مضمون بازتابی و تحلیل داده‌های طبیعی، تلاش کرد فهمی عمیق و زمینه‌مند از تجربه مهاجرت سلبریتی‌های ایرانی و چگونگی شکل‌گیری بحران‌های هویتی، معنایی و اجتماعی آنان در بستر رسانه و زیست‌جهان دیجیتال معاصر ارائه دهد.

۴. یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، به‌منظور دستیابی به درکی عمیق از تجربه‌های هویتی، معنایی و اجتماعی سلبریتی‌های ایرانی مهاجر، داده‌های پژوهش از روایت‌ها و محتوای رسانه‌ای منتشرشده در بسترهای مختلف گردآوری شد. این داده‌ها شامل مصاحبه‌های تصویری و مکتوب، برنامه‌های تلویزیونی، گفت‌وگوهای اینترنتی، لایوهای اینستاگرامی، پست‌ها، استوری‌ها و سایر اظهارنظرهای عمومی سلبریتی‌ها در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی بود. انتخاب مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند و بر اساس میزان ارتباط محتوای منتشرشده آنان با موضوع پژوهش انجام شد. در مجموع، داده‌های مربوط به ۱۱ سلبریتی ایرانی مهاجر مورد تحلیل قرار

گرفت. این افراد در حوزه‌های مختلف هنری، رسانه‌ای و فرهنگی فعالیت داشتند و تجربه‌های آنان پیرامون مهاجرت، احساس تعلق، بحران هویت، تغییرات معنایی زندگی، احساس طرد اجتماعی و بازسازی خویشتن مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور رعایت انسجام پژوهش و تمرکز بر تحلیل پدیده، مشارکت‌کنندگان با کد مشخص شدند.

جدول ۱: ویژگی‌های سلبریتی‌های مورد مطالعه و منابع رسانه‌ای تحلیل‌شده

کد مشارکت‌کننده	جنسیت	حوزه فعالیت	کشور محل مهاجرت	نوع محتوای رسانه‌ای مورد تحلیل	تعداد داده‌های بررسی شده
P1	مرد	خواننده، بازیگر	آمریکا	مصاحبه تصویری	۱ ویدئو
P2	زن	فعال رسانه‌ای تخصصی	آمریکا	ویدئوی آموزشی	۱ ویدئو
P3	زن	بازیگر	آمریکا	مصاحبه ویدئویی	۱ ویدئو
P4	مرد	بازیگر	آمریکا	گفت‌وگوی تصویری (با رها اعتمادی)	1 ویدئو (متن بلند)
P5	مرد	طراح لباس	انگلیس، ترکیه (پیشین)، ایران (بازگشته)	مصاحبه ویدئویی بلند	۱ ویدئو
P6	مرد	کارگردان سینما	در ایران اقامت دارد - مهاجر نیست	مصاحبه‌های خبری و نشست رسانه‌ای	۵ ویدئو
P7	زن و مرد (دوطرفه)	مجری تلویزیونی (من و تو)	انگلستان	گفت‌وگوی اینترنتی	۱ ویدئو
P8	زن	نویسنده، پژوهشگر، مؤلف کتاب‌های درسی	کانادا	ویدئوی روایت تجربی	۱ ویدئو
P9	مرد	پروفسور فیزیک	در متن ذکر نشده - دارای تجربه مهاجرت تحصیلی	مصاحبه علمی-اجتماعی	۱ ویدئو
P10	زن	مشاور سیاسی	آمریکا	مصاحبه انتقادی	۱ ویدئو
P11	زن	اثرگذار اجتماعی	...	گفت‌وگوی صوتی تاریخی	۱ ویدئو

پس از گردآوری و سازمان‌دهی داده‌ها، فرایند تحلیل مضمون بازتابی بر روی محتوای استخراج‌شده انجام شد و مضامین فراگیر، سازمان‌دهنده و پایه مرتبط با تجربه مهاجرت سلبریتی‌های ایرانی شناسایی گردید که در جدول ۲ شرح تفصیلی آن آمده است.

جدول ۲: مضامین حاصل از تحلیل داده‌های سلبریتی‌های مهاجر

مضامین پایه	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
قطع پیوند زبانی با زیست روزمره	گسست هویت و تعلیق تعلق	گذار از آرمان مهاجرت به بحران هویت و بازسازی معنا در زیست مهاجرتی
احساس بی‌جایی و عدم تعلق به جامعه مقصد		
تجربه تعلیق میان وطن و سرزمین مقصد		
تعارض ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد با فرهنگ مقصد		
تجربه ناامنی روانی و بی‌ثباتی ادراک‌شده		
تجربه طرد، تبعیض و دیگری‌سازی اجتماعی		
احساس پوچی و بی‌جهتی در زندگی		
افول دغدغه‌های عمیق و معنابخش	فرسایش نظام معنایی و ارزشی	
گرایش به زیست سطحی و روزمره‌زدگی		
تجربه پارادوکس‌های معنایی در زیست مهاجرتی		
سردی روابط انسانی و کاهش صمیمیت اجتماعی	فرسایش سرمایه اجتماعی و	
افول پیوندهای عاطفی و خانوادگی		

عاطفی	غلبه فردگرایی و رقابت فرساینده
	کاهش همدلی و تضعیف سرمایه اجتماعی
	تنزل جایگاه و اعتبار حرفه‌ای
	ناتوانی در انطباق با معیارهای حرفه‌ای جامعه مقصد
فرسودگی شغلی و افول سرمایه حرفه‌ای	اشتغال فرساینده و طاقت‌بر
	فاصله گرفتن از حرفه و هویت شغلی پیشین
	فروپاشی شبکه‌های ارتباطی حرفه‌ای
	تجربه نابرابری میان میزان کار و دستمزد
زیست تحت فشار ساختارهای مقصد	فشار روانی ناشی از الزامات شغلی
	تجربه ناامنی معیشتی و فشار اقتصادی
	هزینه‌های سنگین زیست روزمره
	مواجهه با نظام‌های سخت‌گیرانه قانونی
بحران روانی و عاطفی مهاجرت	تجربه محدودیت و کنترل اجتماعی
	اجبار به هم‌شکل‌سازی فرهنگی و رفتاری
	احساس پشیمانی از تصمیم مهاجرت
	یأس، درماندگی و فرسودگی روانی
بازتعریف تعلق و بازنگری در ادراک وطن	افسردگی و تحلیل روانی
	دلنگی و احساس غربت مزمن
	انزوای اجتماعی و عاطفی
	از دست رفتن سرمایه‌های مالی، شغلی و عاطفی
	احساس بهره‌برداری رسانه‌ای و سیاسی
	بازنگری در ادراک پیشین از شرایط داخلی
	ارزیابی واقع‌بینانه‌تر از فضای اجتماعی و فرهنگی کشور مبدأ
	بازتقویت هویت ملی و فرهنگی
	احیای احساس تعلق به وطن
	بازاندیشی در امکان اصلاح و تغییر
	بازنگری در ادراک پیشین از شرایط داخلی

مضامین حاصل، بیانگر آن است که مهاجرت در این گروه، صرفاً تجربه‌ای جغرافیایی یا شغلی نیست، بلکه فرایندی چندلایه از گسست هویتی، فرسایش معنا، افول سرمایه اجتماعی و بازاندیشی در تعلق و جایگاه خویش است. در ادامه، هر یک از مضامین سازمان‌دهنده، بر اساس روایت‌ها و تجربه‌های مشارکت‌کنندگان به صورت تفسیری تبیین می‌شود.

گسست هویت و تعلیق تعلق

در تجربه سلبریتی‌های مهاجر، مهاجرت بیش از آنکه صرفاً خروج از یک سرزمین باشد، نوعی فاصله‌گرفتن تدریجی از «جایگاه آشنا» و جهان معناداری بود که پیش‌تر در آن دیده می‌شدند، فهمیده می‌شدند و احساس تعلق داشتند. بسیاری از مشارکت‌کنندگان توصیف می‌کردند که پس از مهاجرت، در وضعیتی معلق قرار گرفته‌اند؛ وضعیتی که در آن نه پیوند پیشین خود را با وطن حفظ کرده‌اند و نه توانسته‌اند در جامعه مقصد احساس استقرار و پذیرفته‌شدن پیدا کنند. این تعلیق، خود را در تجربه‌هایی مانند قطع پیوند زبانی، دشواری در برقراری ارتباط عمیق، تعارض ارزش‌ها و احساس دیگری‌بودن نشان می‌داد. برای افرادی که بخش مهمی از هویتشان بر پایه دیده‌شدن، ارتباط با مخاطب و حضور در حافظه جمعی شکل گرفته بود، از دست رفتن این بستر آشنا، نوعی بی‌ثباتی در ادراک خویش‌آیند می‌کرد؛ گویی فرد، هم‌زمان با مهاجرت، بخشی از هویت اجتماعی و معنایی خود را نیز پشت سر گذاشته است. سلبریتی شماره ۴ این‌گونه تجربه خود را روایت کرد:

"خیلی وقتا به دوستانم میگم بی معنی ترین آدم آمریکا منم. واقعا بی معنی بودم دیگه میدونی رها جان! من بیست و هفت سال دقیقاً بصورت حرفه ای توی ایران کار کردم و خداراشکر موفق هم بودم. و وقتی وارد اینجا شدم، همه درها به روم بسته شد. در بخش دیگری از صحبت های این سلبریتی میخوانیم: من میگم که اصلاً اونجا معنی میدم. اونجا بزرگ شدم. اونجا به همه چی رسیدم. اینجا همه چی رو از دست دادم. (p4)."

فرسایش نظام معنایی و ارزشی

روایت مشارکت کنندگان نشان می‌داد که مهاجرت، تنها ساختار زندگی روزمره آنان را تغییر نداده، بلکه به تدریج نظام معنا و ارزش‌های پیشینشان را نیز دچار تزلزل کرده است. بسیاری از سلبریتی‌ها بیان می‌کردند که آنچه پیش‌تر برایشان معنا، عمق و انگیزه ایجاد می‌کرد، در زیست مهاجرتی به تدریج کم‌رنگ شده و جای خود را به نوعی روزمرگی فرساینده داده است. شکاف میان «تصور آرمانی مهاجرت» و «تجربه واقعی مهاجرت» سبب می‌شد فرد، خود را در موقعیتی ببیند که در آن، موفقیت ظاهری و حضور رسانه‌ای دیگر الزاماً به احساس رضایت، معنا یا انسجام درونی منجر نمی‌شود. در این میان، برخی مشارکت کنندگان از احساس پوچی، بی‌جهتی و نوعی سطحی‌شدن زیست سخن می‌گفتند؛ احساسی که به تدریج آنان را به بازاندیشی در معنای مسیر زندگی و انتخاب مهاجرت سوق داده بود. مشارکت کننده هشت این‌گونه تجربه خود را روایت کرد: "وقتی میخواستیم مهاجرت کنیم رویای یک زندگی بدون دغدغه رو داشتیم، رویایی که بتونیم هر مدل که میخوایم زندگی کنیم و هر چیزی رو که آرزو شو داریم، به دست بیاریم ولی وقتی اومدیم اینجا و دیدیم در قبال هر کاری باید سخت کار کنی، وقتی که دیدیم فرهنگ ما و جهانمون چقد باهم متفاوت دیدیم که نمی‌تونیم تو قالب عاریتی جدید نه خودمون باشیم و نه هنر خودمون رو نشون بدیم انگار با هم جور در نمیومدیم و این باعث شد که حس بی‌ارزشی کنیم" و "هر فضا و فرهنگی یک علایق، سلايق و دغدغه‌هایی داره که فقط برای مردم اونجا معنا پیدا میکنه. ما تو ایران هنر خودمون رو داشتیم و میتونستیم از طریق اون با مردممون ارتباط بگیریم اما اینجا خارجیا با هنر و پیام هنر ما ارتباط نمیگیرن. ایرانیای خارج از کشورم به تئاتر و این چیزا هیچ علاقه ای ندارن، مگه تئاتری که سیاسی شده باشه و بیان بخندن و گرنه ارزشی برای هنر به اون مفهومش قائل نیستن. دیگه شما تصور کنید هنرمند بدون کارش چطور میتونه حس زندگی داشته باشه"

فرسایش سرمایه اجتماعی و عاطفی

یکی از لایه‌های پررنگ تجربه مهاجرت در میان سلبریتی‌ها، افول تدریجی پیوندهای عاطفی و شبکه‌های حمایتی بود. مشارکت کنندگان، فضای ارتباطی جامعه مقصد را اغلب سرد، فردگرایانه و مبتنی بر مناسبات کارکردی توصیف می‌کردند؛ فضایی که در آن، روابط انسانی عمق و صمیمیت آشنای گذشته را نداشت. برای بسیاری از آنان، دوری از خانواده و فاصله گرفتن از حلقه‌های ارتباطی‌ای که سال‌ها بخشی از امنیت روانی و هویت اجتماعی‌شان را شکل داده بود، به تجربه‌ای فرساینده تبدیل شده بود. در این میان، شهرت و دیده‌شدن رسانه‌ای نیز نتوانسته بود احساس تنهایی و انزوای عاطفی را کاهش دهد؛ بلکه گاه، تضاد میان «تصویر پرمخاطب بیرونی» و «احساس تنهایی درونی» را پررنگ‌تر کرده بود. سلبریتی شماره ۸ این‌گونه تجربه خود را روایت کرد: "روابط سرد بین آدمها که فقط و صرفاً بخاطر مسائل بیزینسی هستش که با همدیگه ارتباط دارن. حتی بین نزدیک‌ترین بستگان این فضا حاکم هستش. p8" سلبریتی دیگری تصنیی بودن تجارب روانشناختی خود را اینگونه بازگو کرد: "همه لبخندهایمان مصنوعی بود. یعنی ۳،۲،۱ لبخند. p7".

فرسودگی شغلی و افول سرمایه حرفه‌ای

در بخش مهمی از روایت‌ها، مهاجرت با تجربه فروپاشی تدریجی جایگاه حرفه‌ای و تضعیف هویت شغلی همراه بود. بسیاری از سلبریتی‌ها احساس می‌کردند سرمایه نمادین، اعتبار اجتماعی و شبکه‌هایی که طی سال‌ها در ایران ساخته بودند، در جامعه مقصد

کارکرد خود را از دست داده است و آنان ناچارند دوباره، از نقطه‌ای ناآشنا، برای تثبیت خویش تلاش کنند. این وضعیت، زمانی فرساینده‌تر می‌شد که فرد ناچار به اشتغال در فعالیت‌هایی می‌شد که نسبتی با هویت حرفه‌ای و تصویر پیشین او نداشت. فشار مداوم برای بقا، دشواری انطباق با معیارهای حرفه‌ای جامعه مقصد و نابرابری میان میزان تلاش و دستاورد، به تدریج احساس فرسودگی و بی‌ارزشی را در برخی مشارکت‌کنندگان تشدید می‌کرد. در واقع، مهاجرت برای بخشی از آنان، نه امتداد موفقیت حرفه‌ای، بلکه تجربه بازگشت به نقطه‌ای از بی‌ثباتی شغلی و از دست رفتن موقعیت آشنا بود. سلبریتی شماره ۸ این‌گونه تجربه خود را روایت کرد: "کار طاقت‌فرسا در کشور کانادا و دستمزد نامتناسب با تورم و سطح زندگی. بیشتر پول و درآمد هر فردی به اجاره خونه و مخارج روزمره زندگی اختصاص داده میشه. درآمد بسیار نمیتونه جوابگوی این همه هزینه‌ها بشه" p8. سلبریتی دیگری در خصوص تجربه مشابه خود اظهار داشت: "کارایی کردم که اصن باورم نمیشه انجامشون میدادم. من دیگه توان بیست سالگیمو ندارم که ولی اینجا باید مثل بیست ساله‌ها کار کنم" p4.

زیست تحت فشار ساختارهای مقصد

بخشی از تجربه سلبریتی‌های مهاجر، به مواجهه با ساختارهای سخت‌گیرانه و نظم اجتماعی جامعه مقصد بازمی‌گشت؛ ساختارهایی که برخلاف تصور اولیه آنان از آزادی و رهایی، گاه با احساس محدودیت، کنترل و الزام به انطباق همراه بود. مشارکت‌کنندگان توصیف می‌کردند که به تدریج ناچار شده‌اند سبک زندگی، الگوهای رفتاری و حتی شیوه ابراز خود را با قواعد فرهنگی و اجتماعی جامعه مقصد هماهنگ کنند. در کنار این مسئله، فشارهای اقتصادی، هزینه‌های بالای زندگی و احساس ناامنی معیشتی نیز بخشی از واقعیت زیست مهاجرتی آنان را شکل می‌داد. این تجربه‌ها، در مجموع، موجب می‌شد مهاجرت برای برخی سلبریتی‌ها از یک «رویای رهایی‌بخش» به نوعی زیست تحت فشار ساختارهای ناآشنا و فرساینده تبدیل شود. سلبریتی شماره ۴ این‌گونه تجربه خود را روایت کرد: "بین وقتی من وارد آمریکا شدم، همه چیز رو برنامه ریزی کرده بودیم به اندازه یه سالم پول همراه بود و من قصد نداشتم اینجا کار کنم. ولی کار کردم. کارایی که اصن باورم نمیشه انجامشون میدادم. p4" همچنین در خصوص قواعد زندگی و پوشش در کشور مقصد، سلبریتی شماره ۲ گفت: سلبریتی شماره ۲ این‌گونه تجربه خود را روایت کرد: "لباس لختی نباید بپوشی، کفش جلو باز نباید بپوشی، دامن کوتاه نباید بپوشی، صدا تو نباید نازک و عشوهار کنی. دموکراسی یعنی قانون. شما حتی در محل کارتون هر لباسی نمیتونید بپوشید. عطر خیلی قوی نمیتونید بزنید. شما حتی تن صداتون بایستی درست باشه. p2".

بحران روانی و عاطفی مهاجرت

امتداد گسست‌های هویتی، فرسایش معنا و افول پیوندهای اجتماعی، در نهایت خود را در قالب نوعی تحلیل روانی و عاطفی نشان می‌داد. بسیاری از مشارکت‌کنندگان از احساس دل‌تنگی، یأس، فرسودگی و انزوایی سخن می‌گفتند که به تدریج در زندگی روزمره آنان رسوخ کرده بود. برای برخی، مهاجرت با این آگاهی تلخ همراه شده بود که بازگشت به موقعیت پیشین یا بازسازی کامل آنچه از دست رفته، دیگر ممکن نیست. در کنار این تجربه‌ها، برخی سلبریتی‌ها احساس می‌کردند پس از مهاجرت، ناخواسته وارد میدان‌هایی رسانه‌ای و سیاسی شده‌اند که در آن، هویت و روایت شخصی‌شان گاه به ابزاری برای منازعات بیرونی تبدیل شده است. این وضعیت، احساس خستگی روانی و ازهم‌گسیختگی عاطفی را در آنان تشدید می‌کرد. سلبریتی شماره ۴ این‌گونه تجربه خود را روایت کرد: "خیلی درب محکمی را به روی خودم بستم و زندگی را به زن و بچه‌ام سخت کردم. از لحاظ مالی بسیار ضرر کردم. دارم تاوان می‌دهم. اینجا کارهایی کردم که نمی‌توانم بگویم" p4. همین سلبریتی فرد در جای دیگری اظهار داشت: "دلم برای ایران تنگ شده. واقعا دلم تنگ میشه. من میگم که اصلا اونجا معنی میدم" P4. سلبریتی شماره ۱ نیز وضعیت خود را اینگونه روایت کرد: "من توی ایران همه‌کاره بودم و با آسایش و آرامش کامل پول در می‌آوردم. p1".

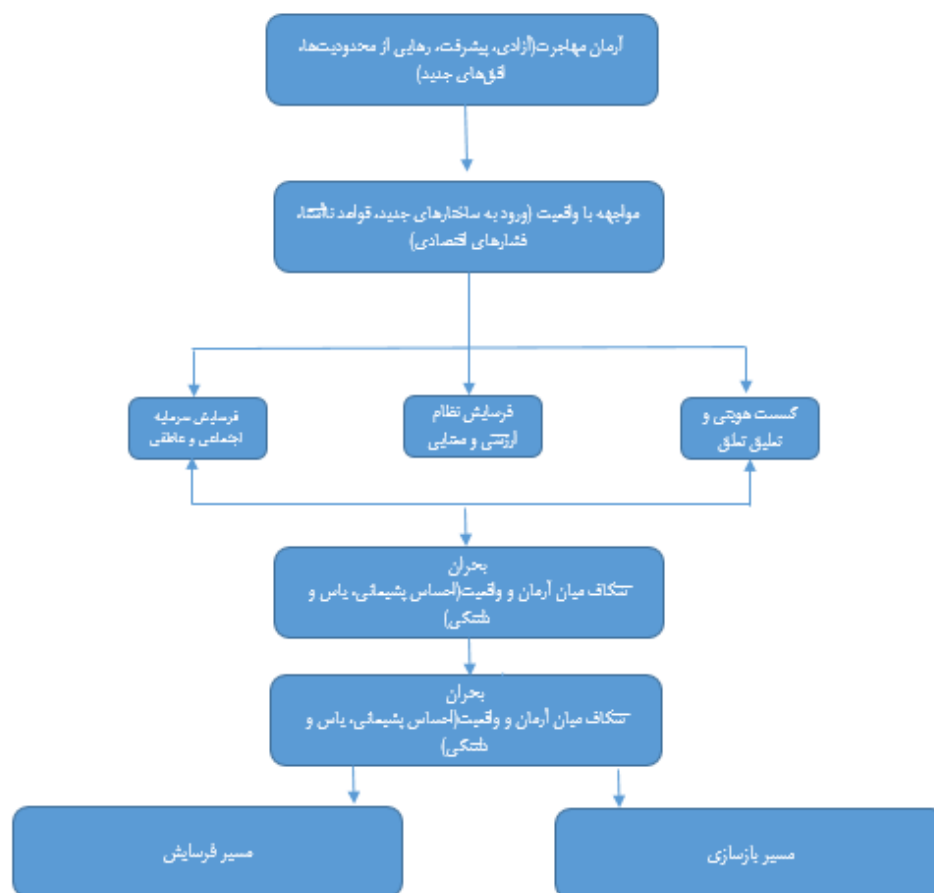
بازاندیشی وطن و بازسازی تعلق

با وجود تمامی تجربه‌های فرساینده، مهاجرت برای بسیاری از سلبریتی‌ها صرفاً به فروپاشی هویت و معنا ختم نمی‌شد، بلکه در ادامه، نوعی بازاندیشی نسبت به وطن، ریشه‌های فرهنگی و احساس تعلق را نیز به همراه داشت. فاصله گرفتن از ایران، در برخی مشارکت‌کنندگان به بازخوانی دوباره تصویر پیشین آنان از جامعه، فرهنگ و حتی شیوه زیست ایرانی منجر شده بود. آنان توصیف می‌کردند که تجربه مهاجرت، بسیاری از قضاوت‌های قطعی گذشته را دچار تغییر کرده و نوعی پیوند عاطفی و هویتی عمیق‌تر با وطن در آنان شکل داده است. در این میان، بازگشت به مؤلفه‌های هویت ملی و فرهنگی، نه از موضع ایدئولوژیک، بلکه به مثابه تلاشی برای بازیابی معنا، ریشه و احساس تعلق قابل فهم بود سلبریتی شماره ۵ این‌گونه تجربه خود را روایت کرد: "هرچی به خدا نزدیکتر شدم به رهبر و انقلاب نزدیک تر شدم. نشستم حرفاشو گوش کردم. چقدر همسو با خدا حرف میزنه و چقدر درسته. چقدر منطقیه. حرفایی که توی سر ما کرده بودن چقدر دروغ بوده، چقدر رسانه‌ای بوده. "p5. در همین راستا، سلبریتی شماره ۶ با تأکید بر تعلق خویش به هویت ملی بیان داشت: "پای ایران که وسط باشه تنها جاییه که حاضریم شعار بدیم. ایران دوستی و ایران پرستیه. ما واقعا این روزا چیزی جز همین یک کلمه برامون باقی مونده. تنها چیزی که تسلی میده مارو نام ایرانیه. "p6. این بازاندیشی، در بسیاری موارد، نه از موضع ایدئولوژیک، بلکه به مثابه تلاشی برای بازیابی معنا، ریشه و احساس تعلق قابل فهم بود. تجربه مستقیم زیست در کشورهای مهاجر، برای برخی سلبریتی‌ها چنان بود که آنان را به بازگشت به ایران ترغیب کرد. سلبریتی شماره ۸ در این زمینه روایت کرد: "برگشتم به کشور خودم علی‌رغم همه سختی‌ها و مشکلاتی که در ایران وجود داره. ترجیح دادم در وطن خودم زندگی بکنم. خاک اینجارو و شرایط زندگی در اینجارو ترجیح دادم به زندگی بسیار مشقت باری که در کانادا داشتم. "p8. به نظر می‌رسد که تجربه زیسته مهاجرت، برای این افراد نه فقط تجربه گسست، بلکه فرایندی برای بازشناسی مجدد ریشه‌ها و معناهای پیشین نیز بوده است.

تفسیر یکپارچه یافته‌ها

آنچه از کلیت روایت سلبریتی‌های مهاجر برمی‌آید، تجربه نوعی شکاف میان «آرمان مهاجرت» و «زیست واقعی مهاجرت» است. مهاجرت در ذهن بسیاری از آنان، با تصور آزادی، پیشرفت و گسترش افق‌های فردی و حرفه‌ای آغاز شده بود، اما در عمل، به مواجهه‌ای پیچیده با گسست هویتی، فرسایش معنا، افول جایگاه اجتماعی و بحران تعلق انجامیده بود. در این میان، سلبریتی‌بودن، نه تنها از شدت این تجربه‌ها نمی‌کاست، بلکه گاه آن را پیچیده‌تر می‌کرد؛ زیرا فرد، هم‌زمان با تلاش برای سازگاری با جامعه جدید، با فروپاشی تدریجی تصویری مواجه می‌شد که سال‌ها در ذهن مخاطبان و در ادراک خویش از خود ساخته بود. با این حال، تجربه مهاجرت در این پژوهش صرفاً به بحران و فرسایش محدود نمی‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از سلبریتی‌ها، پس از عبور از مرحله تعلیق و بی‌ثباتی، به نوعی بازاندیشی در هویت، وطن و معنای تعلق دست یافته‌اند؛ فرایندی که در آن، مهاجرت نه پایان هویت پیشین، بلکه زمینه‌ای برای بازخوانی انتقادی خویشتن و بازسازی پیوندهای معنایی با گذشته و ریشه‌های فرهنگی است. در ادامه، به منظور درک بهتر فرایند تحول تجربه مهاجرت و ارتباط پویای میان لایه‌های مختلف مضامین، نمودار فرایندی-تبیینی (شکل ۱) ترسیم شده است که مسیر گذار از آرمان مهاجرت تا بحران‌های هویتی، معنایی و اجتماعی و نیز زمینه‌های بازسازی تعلق را به صورت بصری و گام‌به‌گام نمایش می‌دهد.

نمودار ترسیمی شبکه مضامین مرتبط با چالش‌های هویتی، معنایی و اجتماعی در سلبریتی‌های ایرانی مهاجر



۵. بحث

هدف از پژوهش حاضر، واکاوی چالش‌های هویتی، معنایی و اجتماعی در سلبریتی‌های ایرانی مهاجر بود. یافته‌ها نشان داد که تجربه مهاجرت در این گروه، فراتر از جابه‌جایی جغرافیایی یا تغییر موقعیت شغلی، تجربه‌ای عمیقاً هویتی، معنایی و اجتماعی است. آنچه در روایت مشارکت‌کنندگان برجسته بود، شکاف میان «آرمان مهاجرت» و «زیست واقعی مهاجرت» بود؛ شکافی که ابتدا در قالب تعلیق تعلقی و بی‌ثباتی هویتی و سپس در شکل فرسایش معنا، افول پیوندهای عاطفی و تضعیف جایگاه حرفه‌ای آشکار می‌شد. از این منظر، مهاجرت برای سلبریتی‌ها نه امتداد طبیعی موفقیت و آزادی، بلکه ورود به فرایند بازتعریف مداوم خویشتن بود؛ فرایندی که در آن فرد، هم‌زمان با از دست دادن بخشی از سرمایه‌های نمادین پیشین، ناچار به بازسازی معنا و جایگاه خود می‌شود.

یکی از مهم‌ترین یافته‌ها، تجربه «تعلیق هویتی» بود. مشارکت‌کنندگان نه همچون گذشته احساس تعلق کامل به وطن داشتند و نه در جامعه مقصد به‌طور کامل پذیرفته می‌شدند. این یافته با یافته‌های پژوهش ناندینی و سودها (۲۰۲۵)، میادار (۲۰۲۵)، ورکویتن و همکاران (۲۰۱۹) و بنیامور و اسکوتنس (۲۰۱۷) همسویی دارد. ادبیات موجود نشان می‌دهد که مهاجران میان حفظ ریشه‌های فرهنگی و سازگاری با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه جدید در تنش‌اند و این وضعیت می‌تواند به شکل‌گیری هویت‌های مشکل‌دار، معلق و چندلایه منجر شود (گوچلوتن، ۲۰۲۳؛ رانی و گاریما، ۲۰۲۲). در چنین شرایطی، فرد نه به‌طور کامل به جامعه مبدأ تعلق دارد و نه عضویت کاملی در جامعه مقصد تجربه می‌کند و در نتیجه، احساس بیگانگی، طرد و دورافتادگی شکل می‌گیرد (رانی و گاریما، ۲۰۲۲؛ کورتز، ۲۰۱۷). اقبال و همکاران (۲۰۲۵) نیز نشان داده‌اند که «هویت معلق» در شرایطی تشدید

می‌شود که مهاجران در تخیل اجتماعی جامعه مقصد همچنان به‌عنوان «دیگری» بازنمایی شوند. حتی در صورت مشارکت در ساختارهای رسمی جامعه مقصد، افراد ممکن است میان عضویت در جامعه قومی و پذیرش در جامعه غالب در وضعیتی بینابینی باقی بمانند (کورتز، ۲۰۱۷). از این منظر، تقاطع‌مندی صرفاً یک مفهوم نظری نیست، بلکه واقعیتی زیسته است که فرد را با تناقض‌های درونی و هویت‌های چندلایه مواجه می‌کند.

یافته حاضر را می‌توان فراتر از مجموعه‌ای از پیامدهای روان‌شناختی مهاجرت، به‌مثابه بازآرایی فرایند سوژه‌شدن در بستر جابه‌جایی فرهنگی تفسیر کرد. در الگوی بری (۱۹۷۷)، مهاجرت صرفاً انطباق با محیط جدید نیست، بلکه عرصه‌ای برای بازتعریف مستمر نسبت فرد با نظام‌های هویتی، فرهنگی و ارزشی مبدأ و مقصد است. آنچه در روایت سلبریتی‌های این پژوهش آشکار شد، نه استقرار در یکی از الگوهای تثبیت‌شده سازگاری، بلکه نوسان مداوم میان حفظ خویشتن پیشین و ضرورت بازموقعیت‌یابی در میدان اجتماعی جدید بود. بنابراین، بحران معنا، تعلیق تعلق و فرسایش هویت را می‌توان جلوه‌های مختلف یک وضعیت واحد، یعنی «تعلیق سوژگی»، دانست؛ وضعیتی که در آن نظم نمادین پیشین دیگر انسجام سابق را ایجاد نمی‌کند و فرد ناچار است جایگاه خود را در افقی تازه از روابط، ارزش‌ها و انتظارات اجتماعی بازصورت‌بندی کند.

یافته دیگر، فرسایش تدریجی نظام معنایی و ارزشی بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان گزارش کردند که آنچه پیش‌تر برای آنان احساس معنا، انگیزه و عمق ایجاد می‌کرد، در زیست مهاجرتی متزلزل شده و جای خود را به روزمرگی، پوچی و بی‌جهتی داده است. این یافته را می‌توان در چارچوب نظریه معنا در زندگی فرانکل (۱۹۶۳) و دیدگاه پارک (۲۰۱۰) تبیین کرد؛ زیرا احساس معنا زمانی پایدارتر است که میان تجربه زیسته و چارچوب‌های معنابخش زندگی هماهنگی وجود داشته باشد. در مورد سلبریتی‌های مهاجر، گسست از بستر فرهنگی آشنا، فاصله از مخاطبان پیشین و تضعیف جایگاه نمادین، بخشی از ساختارهای پیشین معنابخش را از کارکرد می‌اندازد و فرد را به بازسازی معنای زندگی وامی‌دارد. مورفی و همکاران (۲۰۱۹) نیز نشان دادند که شرایط فرساینده مهاجرت می‌تواند احساس هدفمندی، خودکارآمدی و معنا در زندگی را کاهش دهد. تارتاکوفسکی و همکاران (۲۰۱۷) بر تغییر نظام ارزشی مهاجران به سوی ارزش‌های بقا، امنیت و سازگاری تأکید کرده‌اند و کاکس و همکاران (۲۰۲۱) نشان داده‌اند که فرسایش زبان مشترک می‌تواند پیوندهای عاطفی و معنایی فرد با جهان آشنای پیشین را تضعیف کند. بنابراین، بحران معنا در این گروه را باید نه پیامدی منفرد، بلکه بخشی از فرایند گسترده‌تر بازتعریف خویشتن در جهانی ناآشنا دانست.

یافته‌ها همچنین از افول سرمایه اجتماعی، عاطفی و حرفه‌ای پس از مهاجرت حکایت داشت. برخلاف تصور شهرت به‌عنوان سرمایه‌ای فرامکانی، بخش مهمی از اعتبار و نفوذ سلبریتی‌ها در پیوند با زمینه فرهنگی و میدان اجتماعی ایران شکل گرفته بود؛ از این رو، مهاجرت با فروپاشی بخشی از شبکه‌های ارتباطی، کاهش حمایت اجتماعی و دشواری در بازتولید جایگاه حرفه‌ای همراه می‌شد. این یافته با نظریه سرمایه بورديو (۱۹۸۶) قابل تبیین است؛ زیرا سرمایه نمادین مستقل از میدان اجتماعی عمل نمی‌کند و اعتباری که در یک میدان شکل گرفته، الزاماً در میدان دیگر همان کارکرد را ندارد. لوی (۲۰۱۷) نیز از ارتباط مهاجرت با تضعیف انسجام و سرمایه اجتماعی سخن گفته است. سعدی و همکاران (۲۰۲۳) نشان داده‌اند که سرمایه اجتماعی برای مهاجران حیاتی است، اما دسترسی به روابط عمیق و پایدار در جامعه مقصد با دشواری همراه است. همچنین، واکرا و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند که ناامنی هستی‌شناختی مهاجران می‌تواند با ترس، درماندگی، شرم و افسردگی همراه شود و روابط اجتماعی معنادار در حفظ تعادل روانی و عاطفی نقش مهمی دارند. اوسو (۲۰۱۶) نیز نشان می‌دهد که سرمایه‌های اجتماعی، عاطفی و اقتصادی در فرایند مهاجرت به‌صورت پویا بر یکدیگر اثر می‌گذارند؛ بنابراین، دستیابی به فرصت‌های جدید می‌تواند هم‌زمان با از دست رفتن برخی سرمایه‌های پیشین همراه باشد.

این وضعیت را می‌توان در پرتو مفهوم **هویت دیاسپورایی** جورجیو (۲۰۰۶) عمیق‌تر فهم کرد؛ یعنی مهاجرت نه انتقال ساده از مکانی به مکان دیگر، بلکه ورود به فضایی میان‌بود که در آن سوژه هم‌زمان در چند افق فرهنگی، رسانه‌ای و نمادین زندگی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان داد که سلبریتی‌های مهاجر در چنین موقعیت پارادوکسیکالی قرار می‌گیرند: از یک سو

بخشی از میدان اجتماعی و رسانه‌ای مبدأ را از دست داده‌اند و از سوی دیگر، هنوز در میدان مقصد به رسمیت شناخته نشده‌اند. بنابراین، تعلیق، بیگانگی و بحران معنا را نمی‌توان صرفاً تجربه‌هایی فردی دانست؛ این تجربه‌ها تا حدی پیامد ساختاری زیستن در وضعیت دیاسپورایی‌اند.

در عین حال، سلبریتی‌بودن نه تنها از فشارهای مهاجرت نمی‌کاهد، بلکه می‌تواند آن را پیچیده‌تر کند. مشارکت‌کنندگان، علاوه بر بی‌ثباتی شغلی، فشار اقتصادی و سازگاری فرهنگی، ناچار بودند تصویر عمومی، قضاوت مخاطبان و بازنمایی رسانه‌ای خود را نیز مدیریت کنند. بنابراین، افول حرفه‌ای برای آنان صرفاً کاهش فرصت‌های شغلی نبود، بلکه با تزلزل هویت رسانه‌ای و ادراک فرد از خویشتن همراه می‌شد. این یافته با دیدگاه‌های مارشال (۲۰۱۴) و ترنر (۲۰۱۳) درباره ماهیت رسانه‌ای هویت سلبریتی همخوان است؛ هویتی که اساساً در بستر دیده‌شدن و بازشناسی اجتماعی شکل می‌گیرد. کاربالات و ایلچیچ (۲۰۱۹) نیز نشان داده‌اند که سرمایه سلبریتی ثابت نیست و در چرخه‌ای از تثبیت، افول و بازسازی حرکت می‌کند. یافته حاضر نشان می‌دهد که مهاجرت می‌تواند این چرخه را تشدید کند، زیرا فرد هم‌زمان با خروج از میدان اجتماعی پیشین، بخشی از سرمایه نمادین خود را از دست می‌دهد و باید در فضایی ناآشنا جایگاهش را بازتعریف کند. زورلو (۲۰۱۶) نیز نشان داده است که مهاجران متخصص اغلب در آغاز مهاجرت با افت جایگاه شغلی مواجه می‌شوند؛ با این تفاوت که برای سلبریتی‌ها، این افت صرفاً حرفه‌ای نیست، بلکه می‌تواند به فروپاشی «تصویر اجتماعی خود» نیز منجر شود. یافته‌های پژوهش‌های فارل و همکاران (۲۰۲۳) و ددیگو و همکاران (۲۰۲۴) درباره فرسودگی روانی، فشارهای مهاجرتی و نقش تبعیض در خستگی شغلی مهاجران نیز با این تجربه همخوان است؛ زیرا سلبریتی مهاجر باید هم‌زمان برای تثبیت حرفه‌ای و حفظ تصویری قابل دفاع از خویش تلاش کند.

از سوی دیگر، رسانه در تجربه سلبریتی‌های مهاجر صرفاً ابزار انتقال یا بازتاب تجربه نیست، بلکه بخشی از فرایند تولید سوژگی است. مادیانو و میلر (۲۰۱۳) در نظریه چندرسانه‌ای بودن نشان می‌دهند که رسانه‌های دیجیتال فضاهایی برای شکل‌گیری روابط اجتماعی، احساس تعلق و معناسازی‌اند. در تجربه مشارکت‌کنندگان نیز شبکه‌های اجتماعی، مصاحبه‌ها و سایر فضاهای رسانه‌ای، عرصه مذاکره دائمی بر سر هویت، مشروعیت و سرمایه نمادین بودند. بنابراین، سلبریتی مهاجر نه تنها در جامعه مقصد، بلکه هم‌زمان در میدان بازنمایی رسانه‌ای نیز در حال بازتعریف خویش است و بحران معنا می‌تواند پیامد گسست در نظم بازنمایی و تغییر شیوه‌های به رسمیت شناخته‌شدن اجتماعی باشد.

در خصوص بحران‌های روانی - عاطفی و تحمل فشارهای کشور مقصد نیز یافته‌های پژوهش با ادبیات موجود همسو بود. مهاجرت در مراحل پیش از جابه‌جایی، حین مهاجرت و پس از استقرار می‌تواند سلامت روان و وضعیت روان‌شناختی افراد را تحت تأثیر قرار دهد. گولش (۲۰۲۴) طیفی از دشواری‌های روانی مهاجران، از جمله اختلالات اضطرابی، بیگانگی از خود، اختلالات جسمانی‌سازی و افزایش نشانه‌های روان‌پریشی را گزارش کرده است؛ آیدین (۲۰۱۷) نیز بر پیامدهای روان‌شناختی مهاجرت برای مهاجران و حتی جوامع میزبان تأکید دارد. افزون بر این، شوارتز و همکاران (۲۰۲۵) نشان داده‌اند که آسیب‌های پیش از مهاجرت، جدایی از خانواده، خروج ناگهانی، تنزل اقتصادی و تنش‌های فرهنگی می‌تواند سازگاری و بازسازی هویت را مختل کنند. تئورس فرناندز و همکاران (۲۰۱۷) نیز بر تداوم و ماهیت چرخه‌ای پیامدهای روانی مهاجرت حتی پس از استقرار در کشور مقصد تأکید کرده‌اند. از این رو، فشار روانی مشاهده‌شده در سلبریتی‌های مهاجر را نیز باید بخشی از یک فرایند چندلایه دانست که ثبات، امنیت و انسجام روانی را به چالش می‌کشد.

با وجود این تجربه‌های فرساینده، یافته‌ها نشان داد که مهاجرت برای برخی سلبریتی‌ها به بازاندیشی در هویت، وطن و احساس تعلق نیز منجر شده است. فاصله گرفتن از بستر اجتماعی و فرهنگی ایران، در برخی مشارکت‌کنندگان موجب بازخوانی انتقادی نگاه پیشین آنان به جامعه و فرهنگ ایرانی و در مواردی تقویت تعلق فرهنگی و بازگشت عاطفی به مؤلفه‌های هویت ملی شده بود. بنابراین، مهاجرت در سلبریتی‌های ایرانی فرایندی خطی و تک‌بعدی نیست، بلکه فرایندی چندلایه از گسست، تعلیق، فرسایش و بازسازی است. سلبریتی مهاجر در میانه آرمان‌های پیشامهاجرتی و واقعیت‌های زیست پسامهاجرتی، ناچار به بازتعریف

مداوم خویشتن، تعلق و معنای زندگی است. از این منظر، مهاجرت برای این گروه نه پایان بحران‌های پیشین، بلکه ورود به میدان تازه‌ای از تنش‌های هویتی، معنایی و اجتماعی است که فهم آن مستلزم نگاهی تفسیری و فراتر از دوگانه ساده موفقیت یا شکست مهاجرت است.

۶. نتیجه گیری

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهاجرت برای سلب‌ریتی‌های ایرانی را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان تجربه‌ای فردی یا مجموعه‌ای از پیامدهای سازگاری فرهنگی فهم کرد. آنچه در روایت‌های آنان آشکار می‌شود، دگرگونی در شیوه سوژه شدن است؛ فرایندی که در آن، فرد هم‌زمان با گسست از میدان اجتماعی پیشین، تضعیف سرمایه نمادین، بازآرایی روابط تعلق و دگرگونی منابع معنا ساز، ناگزیر به بازتعریف مستمر خویشتن می‌شود. در این معنا، بحران معنا نه یک پیامد روان‌شناختی منفرد، بلکه صورت‌بندی خاصی از تجربه سوژگی در شرایط جابه‌جایی فرهنگی و زیست رسانه‌ای است؛ وضعیتی که در آن، سوژه پیوسته میان خاطره نظم پیشین و الزام‌های نظم جدید در نوسان است و هیچ‌یک از این دو، به‌تنهایی قادر به تثبیت هویت او نیستند. از این رو، می‌توان استدلال کرد که سلب‌ریتی مهاجر نه صرفاً سوژه‌ای جابه‌جا شده، بلکه سوژه‌ای است که در متن فرایندهای مستمر بازنمایی، به‌رسمیت‌شناسی، مذاکره هویتی و معناسازی دوباره، به‌طور مداوم بازتولید می‌شود.

۷. محدودیت‌ها و پیشنهادها

پژوهش حاضر، علی‌رغم تلاش برای دستیابی به درکی عمیق و چندلایه از تجربه مهاجرت سلب‌ریتی‌های ایرانی، با محدودیت‌هایی همراه بود که در تفسیر یافته‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. نخست، داده‌های پژوهش مبتنی بر روایت‌ها و بازنمایی‌های رسانه‌ای سلب‌ریتی‌ها بود؛ از این رو، امکان تفکیک کامل میان «تجربه زیسته واقعی» و «تصویر رسانه‌ای مدیریت‌شده» همواره با دشواری همراه است. سلب‌ریتی‌ها، به دلیل قرارداد داشتن در معرض نگاه عمومی، ممکن است بخشی از تجربه‌های خود را به‌صورت گزینشی، نمادین یا متأثر از ملاحظات اجتماعی و رسانه‌ای بازنمایی کنند. همچنین، دسترسی به تجربه‌های عمیق‌تر و لایه‌های پنهان‌تر زیست مهاجرتی آنان، به دلیل محدود بودن ارتباط مستقیم پژوهشگر با مشارکت‌کنندگان، با محدودیت مواجه بود. افزون بر این، تجربه مهاجرت در سلب‌ریتی‌ها به‌شدت متأثر از زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و رسانه‌ای خاص هر فرد است؛ بنابراین، یافته‌های پژوهش حاضر را نمی‌توان به تمامی سلب‌ریتی‌های مهاجر یا سایر گروه‌های مهاجر تعمیم داد. با این حال، همین محدودیت‌ها می‌تواند افق‌هایی برای پژوهش‌های آینده فراهم سازد. پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی، تجربه مهاجرت سلب‌ریتی‌ها با استفاده از مصاحبه‌های عمیق و روایت‌پژوهی مستقیم مورد بررسی قرار گیرد تا امکان دسترسی به لایه‌های پنهان‌تر تجربه زیسته آنان فراهم شود. همچنین، مقایسه تجربه سلب‌ریتی‌های مهاجر با سایر گروه‌های مهاجر می‌تواند به فهم دقیق‌تر نقش شهرت، سرمایه نمادین و بازنمایی رسانه‌ای در فرایند مهاجرت کمک کند. بررسی طولی تجربه مهاجرت و نحوه تحول هویت و معنا در گذر زمان نیز می‌تواند چشم‌اندازهای تازه‌ای برای فهم پویایی‌های روان‌شناختی و اجتماعی این پدیده فراهم آورد.

۸. تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌کنند که هیچ‌گونه تعارض منافع مالی، شخصی، سازمانی یا حرفه‌ای در رابطه با انجام این پژوهش و انتشار نتایج آن وجود ندارد.

AYDIN, C. (2017). GÖÇMENLERİN KARŞILAŞTIKLARI VE NEDEN OLDUKLARI BAZI PSİKOLOJİK SORUNLAR VE ÇÖZÜM ÖNERİLERİ ÜZERİNE BİR ANALİZ. *Uluslararası Bilimsel Araştırmalar Dergisi (IBAD)*, 305-316.

Benmayor, R., & Skotnes, A. (2017). *Some reflections on migration and identity*. In *Migration and identity* (pp. 1-18). Routledge.

- Carrillat, F. A., & Ilicic, J. (2019). The celebrity capital life cycle: A framework for future research directions on celebrity endorsement. *Journal of Advertising*, 48(1), 61-71. <https://doi.org/10.1080/00913367.2019.1579689>
- Cohen, E. L., West, M., Yoshimura, K., Farrell, M. E., & Swain, A. (2024). Normative Influence of the Stars: The Relative Indirect Effects of Celebrity Exemplars on Vaping Norm Perceptions Through Liking, Parasocial Relationship Strength, and Wishful Identification. *Health communication*, 39(9), 1877–1887. <https://doi.org/10.1080/10410236.2023.2245594>
- Cormoş, V. C. (2022). The Processes of Adaptation, Assimilation and Integration in the Country of Migration: A Psychosocial Perspective on Place Identity Changes. *Sustainability*, 14(16), 10296. <https://doi.org/10.3390/su141610296>
- Cortez, D. (2017). Broken Mirrors: Identity, Duty, and Belonging in the Age of the New La (tin) Migra.
- Couldry, N., & Markham, T. (2007). Celebrity culture and public connection: Bridge or chasm? *International Journal of Cultural Studies*, 10(4), 403-421. <https://doi.org/10.1177/1367877907083077>
- Cox Jr, R. B., deSouza, D. K., Bao, J., Lin, H., Sahbaz, S., Greder, K. A., ... & Arredondo-Lopez, A. (2021). Shared language erosion: Rethinking immigrant family communication and impacts on youth development. *Children*, 8(4), 256. <https://doi.org/10.3390/children8040256>
- DeDiego, A. C., Farrell, I. C., Basma, D., & Maurya, R. K. (2024). Impact of immigration and discrimination on vocational wellness for immigrant mental health professionals. *Journal of Employment Counseling*, 61(2), 118-135. <https://doi.org/10.1002/joec.12222>
- Dixon S. (2019). Intersectionality of Cultural Identities in Health Psychology: Key Recommendations for Working With African-Caribbean Immigrant Women. *Frontiers in sociology*, 4, 51. <https://doi.org/10.3389/fsoc.2019.00051>
- Farrell, I. C., Basma, D., DeDiego, A. C., Maurya, R. K., & Hurt-Avila, K. M. (2024). Predictors of burnout for immigrant mental health professionals in the United States. *International Journal of Social Welfare*, 33(1), 178-187. <https://doi.org/10.1111/ijsw.12595>
- Goleş, S., & CS, Y. (2024). Göç Olgusunun Göçmen Bireyler Üzerindeki Ruh Sağlığına Etkisi. *J Social Res Behav Sci*, 10(21), 377-89. DOI: [10.52096/jsrbs.10.22.24](https://doi.org/10.52096/jsrbs.10.22.24)
- Grzymala-Kazłowska, A. (2016). Social anchoring: Immigrant identity, security and integration reconnected?. *Sociology*, 50(6), 1123-1139. <https://doi.org/10.1177/0038038515594091>
- Güçlüten, Ç. (2023). Göçün Hukuki Boyutunu Göçmen Kimlik ve Aidiyet Üçgeninde Yeniden Düşünmek. *İçtimaiyat*. DOI: [10.33709/ictimaiyat.1361759](https://doi.org/10.33709/ictimaiyat.1361759)
- Iqbal, H., Malik, A., & Rashid, M. (2025). Suspended identity: statelessness, citizenship challenges and the impermanence of identity status faced by Pakistani Bengalis. *Citizenship Studies*, 29(3-4), 159-180. <https://doi.org/10.1080/13621025.2025.2523251>
- Lee, J., Bae, S. Y., Khareid, N., & Lee, J. (2026). Beyond study abroad: a mobility biography of international student alumni and their post-graduation ties with South Korea. *Mobilities*, 1-18. <https://doi.org/10.1080/17450101.2026.2646588>
- Levy, M. (2017). The effect of immigration from Mexico on social capital in the United States. *International Migration Review*, 51(3), 757-788. <https://www.jstor.org/stable/45116664>
- Maehler, D. B., & Daikeler, J. (2024). The cultural identity of first-generation adult immigrants: A meta-analysis. *Self and Identity*, 23(5-6), 450–483. <https://doi.org/10.1080/15298868.2024.2399559>
- Marshall, P. D. (2014). *Celebrity and power: Fame in contemporary culture*. U of Minnesota Press.

- Mercado Órdenes, M., & Figueiredo, A.C. (2022). Construcciones identitarias de inmigrantes haitianos en Santiago de Chile desde una perspectiva interseccional. *Migraciones internacionales*. <https://doi.org/10.33679/rmi.v1i1.2495>
- Murphy, R., Keogh, B., & Higgins, A. (2019). Erosion of meaning in life: African asylum seekers' experiences of seeking asylum in Ireland. *Journal of Refugee Studies*, 32(2), 278-301. <https://doi.org/10.1093/jrs/fey027>
- Myadar, O. (2026). Belong: Intersections of Displacement and Belonging. *Geographical Review*, 116(2), 219-230. <https://doi.org/10.1080/00167428.2025.2519047>
- Nandhini, R & Sudha, S.(2025). Between Cultures: Identity Crisis And Diasporic Struggles In Chimamanda Ngozi Adichie's Americanah. *International Journal of Environmental Sciences*, 11(11s), 306-310. <https://doi.org/10.64252/q7224a62>
- Nayar, P. K. (2009). Seeing Stras: Spectacle, Society and Celebrity Culture. SAGE Publications India
- Nownes, A. J. (2021). Can Celebrities Set the Agenda? *Political Research Quarterly*, 74(1), 117-130. <https://doi.org/10.1177/1065912919869530>
- Oliva, M. (2020). From the literary field to reality TV: The perils of downward celebrity migration. *European Journal of Cultural Studies*, 23(1), 18-34. <https://doi.org/10.1177/1367549419861633>
- Oso, L. (2016). Migración ecuatoriana y estrategias familiares de movilidad social: la relación dialéctica entre el capital financiero y emocional. <http://hdl.handle.net/2183/18279>
- Park, C. L. (2010). Making sense of the meaning literature: an integrative review of meaning making and its effects on adjustment to stressful life events. *Psychological bulletin*, 136(2), 257. <https://doi.org/10.1037/a0018301>
- Park, S. (2020). How Celebrities' Green Messages on Twitter Influence Public Attitudes and Behavioral Intentions to Mitigate Climate Change. *Sustainability*, 12(19), 7948. <https://doi.org/10.3390/su12197948>
- Rani, A & . Garima.(2022) Problematic Identity in the diasporic writings of Jhumpa Lahiri. *Int. J. Res. Engl.*;4(2):30-32. DOI: [10.33545/26648717.2022.v4.i2a.87](https://doi.org/10.33545/26648717.2022.v4.i2a.87)
- Saadi, A., Morales, B., Chen, L., & Sudhinaraset, M. (2023). Understanding the function of social capital among Mexican and Chinese immigrants in Southern California: a qualitative study. *SSM-Qualitative Research in Health*, 3, 100247. <https://doi.org/10.1016/j.ssmqr.2023.100247>
- Schwartz, S. J., Lee, S. W., García Isaza, A., Alpysbekova, A., Unger, J. B., Vo, D. H., ... & Acaf, Y. (2025). Crisis migration and identity disruption: An integrative perspective. *Review of General Psychology*, 29(3), 276-292. <https://doi.org/10.1177/10892680251352819>
- Scully, M. (2018). Making and'faking'a diasporic heritage. In *Routledge handbook of diaspora studies* (pp. 97-105). Routledge.
- Tartakovsky, E., Walsh, S. D., Patrakov, E., & Nikulina, M. (2017). Between two worlds? Value preferences of immigrants compared to local-born populations in the receiving country and in the country of origin. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 48(6), 835-853. DOI:[10.1177/0022022117709534](https://doi.org/10.1177/0022022117709534)
- Torres Fernández, I., Pereira, S. R., Aicart, J., & Salas, G. (2017). Crossing international borders in search of a better life: Examining the psychological impact of the immigration experience. *Universitas Psychologica*, 16, 176-190.
- Turner, Graeme. "Understanding celebrity." (2013): 1-184.

- Vaquera, E., Aranda, E., & Sousa-Rodriguez, I. (2017). Emotional challenges of undocumented young adults: Ontological security, emotional capital, and well-being. *Social Problems*, 64(2), 298-314. <https://doi.org/10.1093/socpro/spx010>
- Verkuyten, M., Wiley, S., Deaux, K. and Fleischmann, F. (2019), To Be Both (and More): Immigration and Identity Multiplicity. *Journal of Social Issues*, 75: 390-413. <https://doi.org/10.1111/josi.12324>
- Zenelaga, B., & Goga, A. (2021). Reconstructing Self- Identity: The Image of Albanian as “The Other”. *Journal of Educational and Social Research*, 11, 140-140. DOI:[10.36941/JESR-2021-0037](https://doi.org/10.36941/JESR-2021-0037)
- Zorlu, A. (2016). Immigrants’ occupational mobility—Down and back up again. *IZA World of Labor*. DOI: [10.15185/izawol.290](https://doi.org/10.15185/izawol.290)
- Asadzadeh Shahir, H., Roshandel, T., Nasrollahi, A., & Saadipour, E. (2022). Studying the concerns of celebrities on Instagram and its consequences for fans. *Journal of Intercultural Studies*, 16(47), 89–116. magiran.com/p2458572 (In Persian)
- Esmaeili, N., & Mahmoudian, H. (2024). Globalization and elite migration: Hierarchical analysis of factors influencing the migration of Iranian elites. *Journal of Population Association of Iran*, 19(37), 375–416. magiran.com/p2777590 (In Persian)
- Pakzad, A., Razavizadeh, S. N., & Kolahi, M. (2023). Understanding of Tehranian people's about celebrities in the era of virtual media. *Journal of New Media Studies*, 9(35), 77–123. magiran.com/p2704674 (In Persian)
- Tajbakhsh, G., & Goudarzi, F. (2025). Encountering celebrity culture: A phenomenological study of the lived experience of adolescents and young people using Instagram. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 12(26), 189–223. magiran.com/p2967787 (In Persian)
- Bozorgzad, S., Kazemipour, S., & Ali Mohseni, R. (2020). Elites' attitudes toward social, economic, and scientific-research factors at origin and destination and their effect on their tendency to migrate abroad. *Journal of Population Association of Iran*, 14(28), 141–169. magiran.com/p2212393 (In Persian)
- Soleimani Sasani, M., & Shahbazi, M. (2023). Analysis of celebrity fans among Iranian Instagram users. *Rasaneh*, 34(4), 71–99. magiran.com/p2697877 (In Persian)
- Sadeghi, R., & Rezaei, M. (2021). Migration aspiration of Iranians and its determinants. *Journal of Contemporary Sociological Research*, 10(18), 35–62. magiran.com/p2325028 (In Persian)
- Sadeghi, R., & Seyed-Hosseini, S. M. (2019). The rate of young people's willingness to international migration and its determinants in Tehran. *Strategic Studies on Youth and Sports*, 18(43), 1–22. (In Persian)
- Abbasi, A., & Jafari, A. (2020). The impact of Instagram activities of celebrities on the lifestyle of Iranian users. *Communication Research*, 27(101), 33–54. magiran.com/p2141238 (In Persian)
- Elmi, Z. M., & Pasandi Yasaghi, F. (2024). Factors influencing emigration from Iran: The role of inflation and unemployment. *Journal of Population Association of Iran*, 19(38), 367–412. magiran.com/p2840791 (In Persian)
- Maddahi, J., Safari Shali, R., & Kabiri, S. (2025). Emotional ambivalence in the migration intentions of Tehran's youth: From the entanglement of conflicting feelings to the trauma of decision-making. *Journal of Social Problems of Iran*, 16(2), 227–266. magiran.com/p2934921 (In Persian)

- Mahmoudian, H., & Chenani, L. (2023). A qualitative study of Iranian women's narratives and lived experiences of international migration with a focus on push and pull factors. *Iranian Population Studies Journal*, 9(2), 19–33. magiran.com/p2983234 (In Persian)
- Malekpour Afshar, R., Haqdoust, A. A., Dehnoie, R., Sheikhi Zadeh, R., Mousavi, S. M., Rezaei, P., Saljoughi, R., Maki, M., & Nouri-Hekmat, S. (2022). Roots and solutions to the issue of elite migration in Iran. *Journal of Culture and Health Promotion*, 6(1), 81–87. magiran.com/p2447968 (In Persian)